

# درون اردوگاہا

---

Byler, Darren

سرشناسه: بایلر، دارن

عنوان و نام پدیدآور: درون اردوگاه‌ها: تبعیدگاه‌های تک چین/ درن بایلر؛ ترجمه مسعود یوسف حصیرچین.

مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۶۰-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: In the camps: life in China's high-tech penal colony, 2022.

عنوان دیگر: تبعیدگاه‌های تک چین.

موضوع: اوغورها - چین - سین‌کیانگ اوغور - وضع اجتماعی

موضوع: Uighur (Turkic people) -- China -- Xinjiang Uygur Zizhigu -- Social conditions

موضوع: اردوگاه‌های اسیران - چین - سین‌کیانگ اوغور

موضوع: Internment camps -- China -- Xinjiang Uygur Zizhigu

موضوع: اوغورها - سیاست دولت - چین - سین‌کیانگ اوغور

موضوع: Uighur (Turkic people) -- Government policy -- China -- Xinjiang Uygur Zizhigu

موضوع: مراقبت الکترونیکی - سیاست دولت - چین - سین‌کیانگ اوغور

موضوع: Electronic surveillance -- Government policy -- China -- Xinjiang Uygur Zizhigu

موضوع: مراقبت الکترونیکی - جنبه‌های اخلاقی - چین - سین‌کیانگ اوغور

موضوع: Electronic surveillance -- Moral and ethical aspects -- China -- Xinjiang Zizhigu Uygur

موضوع: چین - سیاست و حکومت - ۲۰۰۲ - م.

موضوع: 2002 -- China -- Politics and government

شناسه افزوده: یوسف حصیرچین، مسعود، ۱۳۶۹ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: DS۷۳۱

رده‌بندی دیویی: ۳۰۵/۸۹۴۳۳۰۵۱۶

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۰۱۴۲۷۰

---

# درون اردوگاه‌ها

تبعیدگاه‌های تک چین

درن بایلر

ترجمه مسعود یوسف حصیرچین



این کتاب ترجمه‌ای است از:

*In The Camps: China's high-tech Penal colony,*

Darren Byler

Columbia Global Reports, 2021



### انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

\* \* \*

درن بایلر

درون اردوگاه‌ها

تبعیدگاه‌های تک چین

ترجمه مسعود یوسف‌حصیرچین

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۱

چاپ پارمیدا

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۰۴ - ۰۴۶۰ - ۶

ISBN: 978 - 622 - 04 - 0460 - 6

[www.qoqnoos.ir](http://www.qoqnoos.ir)

*Printed in Iran*

## در ستایش درون اردوگاه‌ها

«در حالی که نژادپرستی ساختاری در بافت استعماری نونشینان چینی در سین‌کیانگ شباهت‌هایی به نژادپرستی در دیگر جاهای جهان دارد، درن بایلر این مسئله را مستند و تحلیل می‌کند که چطور تبعیض نژادی جدید و دیجیتالی اقلیت‌های مسلمان چین – تبعیض نژادی خودکار – در سیستمی وسیع از اردوگاه‌های کارآموزی – معنای انسانیت‌زدایی را دگرگون کرده است. درون اردوگاه‌ها کتابی است تلخ و ویرانگر اما پراز جزئیات همدلانه با قربانیان که خواندنش برای تمام علاقه‌مندان به عدالت نژادی در جهان لازم است. کتاب بایلر به ما نشان می‌دهد که این مسئله نه تنها واقعیتهای منحصر به چین نیست، بلکه واقعیتی جهانی است که در آن نمی‌شود خشونت رژیم‌های استعماری را از همدستان جهانی‌اش جدا کرد.»

شو-می شیبه، رئیس انجمن ادبیات  
تطبیقی آمریکا و استاد ادبیات تطبیقی  
ادوارد و. سعید، دانشگاه کالیفرنیا

«درست است، هر چقدر هم که دولت چین انکارش کند – در این کتاب کاملاً مستند، درن بایلر نه تنها می‌گوید که چگونه اعضای گروه‌های قومی مسلمان چین را صرفاً بابت دینداری به اردوگاه‌های بازآموزی می‌فرستند، بلکه شرح می‌دهد که چطور در بیرون از اردوگاه‌ها هم شبکه‌ای از نظارت الکترونیک و انسانی آن‌ها را از آزادی محروم می‌کند. این کتاب، که حول داستان‌های واقعی شخصی افراد با روایتی گیرا – و هولناک – است، یکی از بدترین نمونه‌های نقض حقوق بشر در جهان امروز است.»

اندرو جی. ناتان، استاد علوم سیاسی دانشگاه کلمبیا

«درون اردوگاه‌ها پیشنهاد می‌دهد در گفتمانی که معمولاً در سایه ملی‌گرایی و چین‌هراسی قرار می‌گیرد، مداخله‌ای فوری و عمیقاً انسانی انجام شود. درن بایلر حین ارائه تصویری خدشه‌ناپذیر از اسلام‌هراسی و نقض حقوق بشری که حکومت چین در سین‌کیانگ علیه مسلمانان سین‌کیانگ روا می‌دارد، تأکید می‌کند که چگونه این اعمال از منطق آشنای نونشینی استعماری پیروی می‌کنند و 'اقلیت‌ها'یی را به وجود می‌آورند که استثمار و آزارشان مجاز است.»

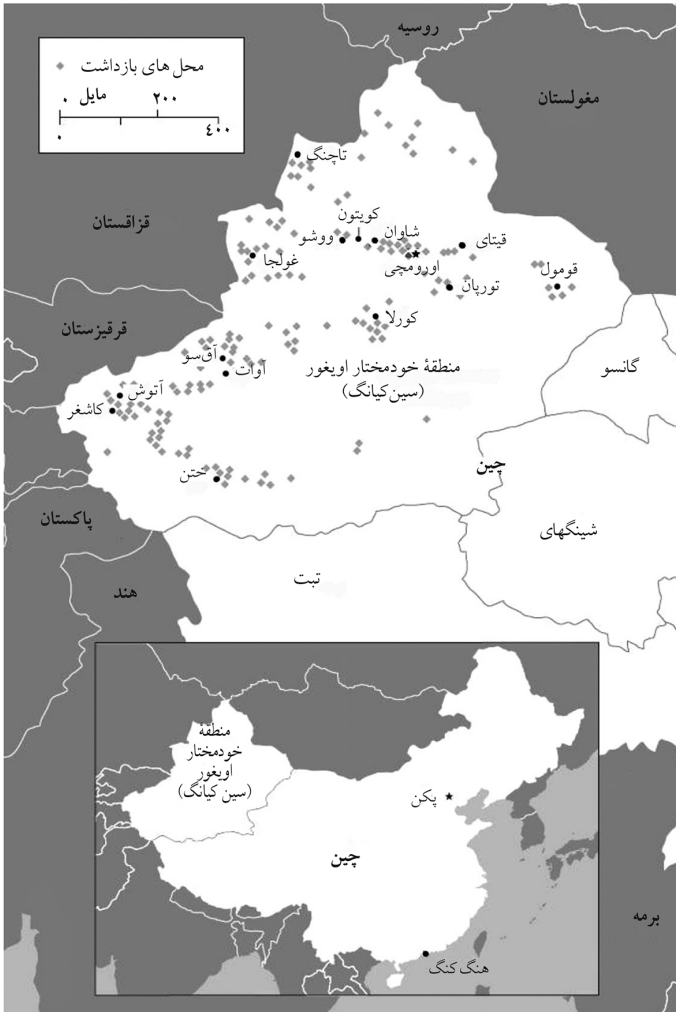
**مردیت و ایت تیگر، استاد روش تحقیق  
میندرو در دانشگاه نیویورک و مدیر  
گروه انستیتو هوش مصنوعی حالا**

«در حالی که مطالب اصلی این کتاب مصاحبه‌هایی با او یغورهای متأثر از وضعیت امنیتی سین‌کیانگ است، درن بایلر محتاطانه بر نقش بنیادین شرکت‌های سیلیکون ولی – به ویژه مایکروسافت – در ساخت این وضعیت تأکید می‌کند.»

**جک پولسون، مدیر اجرایی، تک اینکوایری**

«آیا منصفانه است که در حال حاضر، کنار هم قرار گرفتن دولت چین و 'نظارت' به نام مستعار بی‌رحمی اقتدارگرایی انسانیت‌زدای مجهز به فناوری تبدیل شده است؟ کتاب شجاعانه و دقیق درن بایلر، درون اردوگاه‌ها، چنان روایت تکان‌دهنده‌ای ارائه می‌دهد که حتی خوانندگان مطلع و بدبین هم از مقیاس، شدت و بی‌رحمی تکان‌دهنده سیستم‌های کنترل یکه می‌خورند. بایلر این سیستم‌های کنترل را با جزئیات فراوان تصویر می‌کند. در حالی که باقی جهان این سیستم‌ها را فراموش کرده، استفاده‌شان در سین‌کیانگ عادی‌سازی شده است.»

**ایوان سلینجر، استاد فلسفه، انستیتو فناوری روچستر**







## فهرست

۱۱	..... مقدمه
۳۱	..... فصل اول: جرم پیشاوقوع
۴۵	..... فصل دوم: فاجعهٔ تلفنی
۷۵	..... فصل سوم: دورو
۱۰۱	..... فصل چهارم: حیوانات
۱۲۱	..... فصل پنجم: ناآزاد
۱۴۳	..... فصل ششم: سین‌کیانگ به حمایت سیاتل پشتگرم است
۱۶۳	..... سپاسگزاری
۱۶۷	..... برای مطالعهٔ بیشتر



## مقدمه

اواسط سال ۲۰۱۹، یکی از دانشجویان دانشگاه واشینگتن از تقاطع شلوغی در بازار می‌گذشت که پیمانکار پلیسی روی شانه‌اش زد. آن دانشجو، ویرا جو،<sup>۱</sup> در ابتدا متوجه ضربه روی شانه‌اش نشد چون هنگام عبور از میان جمعیت با ایرباد موسیقی گوش می‌داد. وقتی برگشت و اونیفرم سیاه دستیار پلیس را دید، حتی با این‌که همچنان موسیقی پخش می‌شد، رنگ از چهره‌اش پرید. پیمانکار پلیس، که به چینی، زبان مادری ویرا، صحبت می‌کرد، او را به مرکز پلیس آسایش خلق در آن نزدیکی برد – یکی از بیش از ۷,۷۰۰ مرکز نظارتی که حالا در سرتاسر منطقه وجود دارد.<sup>(۱)</sup>

در یکی از نمایشگرهای موجود در آن ساختمان خاکستری مکعب‌شکل، چهره‌اش را در مربع زردی دید. در نمایشگرهای دیگر عابرانی را دید که در بازار راه می‌روند و مربع‌های سبزی دور چهره‌شان را گرفته است. در کنار تصویر باکیفیت صورت ویرا، اطلاعات

---

1. Vera Zhou

شخصی‌اش در کادر سیاهی ظاهر شد. مطابق آن کادر، او هوئی<sup>۱</sup> بود، عضو یک گروه مسلمان چینی ساکن در شمال غرب این کشور که حدود یک میلیون نفر از جمعیت پانزده میلیونی مسلمانان شمال غرب چین را تشکیل می‌دهد. آژیر هشدار به این دلیل به صدا درآمده بود که ویرا پایش را از محدوده ضوابط نظارتی منطقه سکونت مشخص شده‌اش بیرون گذاشته بود. او یکی از بازداشتی‌های سابق اردوگاه‌های بازآموزی بود و اجازه نداشت بدون مجوز رسمی از واحد نظارتی منطقه‌اش و دایره امنیت عمومی به دیگر بخش‌های شهر سفر کند. مربع زرد دور صورتش در نمایشگر نشان از آن داشت که سامانه حصار دیجیتال، که مسلمانان را در آن جا نگه می‌داشت، بار دیگر هم او را «مجرم پیش‌ارتکابی»<sup>۲</sup> تشخیص داده. ویرا گفت که در آن لحظه احساس کرد نفسش به سختی بالا می‌آید. یادش آمد پدرش به او گفته بود: «اگر کارت شناسایی‌ات را بررسی کنند، دوباره بازداشت می‌شوی. دیگر مثل افراد عادی نیستی. حالا یکی از آن‌ها بی.»

ویرا در کویتون<sup>۳</sup> بود، شهر کوچکی با جمعیت حدود ۲۸۵,۰۰۰ نفری در منطقه<sup>۴</sup> تاچنگ<sup>۵</sup> که شهر ثروتمند و نفت خیز کارامای<sup>۶</sup> در آن جای دارد. ویرا از سال ۲۰۱۷ در آن جاگیر افتاده بود، یعنی هنگامی که در میانه سال دوم مشغول تحصیل در رشته جغرافیا در دانشگاه واشینگتن (محل تدریس) بود که ناگهان تصمیم گرفت به وطن برگردد و دوست‌پسرش را ببیند. تجربه ناگوارش پس از یک شب رفتن به سینمایی در مرکز منطقه، اورومچی<sup>۷</sup>، شهری با ۳/۵ میلیون نفر جمعیت و در فاصله چند ساعته

1. Hui

۲. Pre-Criminal: این عبارت اولین بار در داستان علمی-تخیلی گزارش اقلیت نوشته فیلیپ کی. دیک استفاده شد. -م.

3. Kuitun 4. Prefecture 5. Tacheng 6. Karamay

۷. Ürümchi: مرکز منطقه خودمختار سین‌کیانگ (اویغور). -م.

خانه‌اش، آغاز شد، هنگامی که به دوست‌پسرش زنگ زدند و از او خواستند به اداره پلیس محلی برود. در مرکز پلیس به او گفتند که باید از دوست‌دخترش بازجویی کنند. گفتند هنگام استفاده ویرا از اینترنت فعالیت‌های مشکوکی مشاهده کرده‌اند. او برای دسترسی به «سایت‌های غیرقانونی» مثل حساب کاربری جی‌میل دانشگاهش، از وی‌پی‌ان استفاده کرده بود. به او گفتند که این کار «نشانه تندروری مذهبی» است.

مدتی طول کشید تا برای ویرا روشن شود که اوضاع از چه قرار است. احتمالاً چون دوست‌پسرش غیرمسلمان و از اکثریت هان<sup>۱</sup> چینی بود و پلیس نیز نمی‌خواست که او جنجال به پا کند، در ابتدا تا حد زیادی درباره اتفاقات آینده در لفافه صحبت می‌کردند. فقط به ویرا گفتند که باید در مرکز پلیس منتظر بماند. وقتی ویرا پرسید بازداشت است یا خیر، جوابی نگرفت. به او گفتند: «فقط بنشین.» آن موقع دیگر حسابی وحشت کرده بود و از همین رو با پدرش در زادگاهش تماس گرفت و ماجرا را برایش تعریف کرد. سرانجام ون پلیس کنار مرکز توقف کرد. چهار افسر از ون بیرون جستند، سه میانسال و یک نوجوان که تقریباً همسن ویرا بود. روی آستین اونفرمش نوشته شده بود «دستیار پلیس»، عبارتی که به بیش از نودهزار پیمانکار امنیتی خصوصی‌ای اطلاق می‌شود که پلیس آن‌ها را طی کارزارهای بازآموزی به منظور کارهای برون‌سپاری شده استخدام می‌کند.<sup>(۲)</sup>

وقتی پلیس‌ها گفتند که باید ویرا را برای بازجویی به کویتون برگردانند، دوست‌پسرش سریعاً گفت اگر امکان دارد خودش او را به آن‌جا ببرد. پلیس‌ها برای حفظ آداب‌دانی در میان هان‌ها مؤدبانه به او گفتند که باید روال قانونی را طی کنند و ویرا را با ون ببرند، اما اگر بخواهد می‌تواند با اتومبیلش آن‌ها را دنبال کند. ویرا را عقب وَن گذاشتند و وقتی دیگر اثری از دوست‌پسرش نبود، دستانش را پشت سرش محکم با زنجیر

۱. Han: گروه قومیتی غالب چین که بزرگ‌ترین گروه قومی جهان به شمار می‌رود. - م.

بستند و او را با خشونت به صندلی عقب پرت کردند. به پیمانکار جوان پلیس، همانی که تقریباً همسن ویرا بود، گفتند روی صندلی عقب مراقبش باشد. او آن طرف صندلی نشست و پایش را به یک طرف کشید و با حالتی بی‌روح به ویرا خیره شد، بدون این‌که لبخندی به او بزند، انگار که ویرا تروریستی بالقوه باشد. او را سر جایش نشاندند؛ تشخیص داده بودند مسلمانی تندرو است و لیاقت حقوق مدنی و حقوق بشر را ندارد.

منطقه سین‌کیانگ در گوشه شمال‌غربی چین قرار دارد، در قلب آسیای مرکزی و شمال یک منطقه خودمختار دیگر چین، تبت. سین‌کیانگ به اندازه آلاسکا است و با هشت کشور مرز مشترک دارد، از هند تا مغولستان. چند گروه قومی آسیای مرکزی بومی آن‌جا هستند، بزرگ‌ترینشان اویغورها، اقلیت ترک مسلمان با حدود دوازده میلیون نفر جمعیت، پس از آن‌ها یک و نیم میلیون قزاق در آن‌جا وجود دارد، بعد هم دویست هزار قرقیز و پانزده هزار ازبک. همان‌های چینی آن‌جا حدود نه میلیون نفرند. در واقع سین‌کیانگ، که به چینی به معنی «جبهه جدید» است، رسماً منطقه خودمختار سین‌کیانگ اویغور نام دارد - تمایزی مدیریتی که حکومت چین برقرار کرده و به صورت ضمنی از حدی از خودمختاری اویغورها حکایت دارد.

اویغورها قرن‌ها در واحه‌های آسیای مرکزی در مقیاس کوچک به کشاورزی با آبیاری می‌پرداختند، و به استثنای چند دوره زمانی در دوهزار سال گذشته، به صورت خودمختار در کنار مسیرهای تجاری جاده ابریشم قدیم حکومت خودشان را داشتند. در سال ۱۷۵۵، دودمان چینگ<sup>۱</sup> به رهبری دولت منچو<sup>۲</sup> به بخش‌هایی از این منطقه یورش برد. در سال ۱۸۸۴، آن‌جا را به قلمروی استانی با تسلط ضعیف تبدیل کردند و در مناطق شهری مهم آن‌جا پایگاه‌های نظامی به راه انداختند. هنگام

---

1. Qing    2. Manchu

تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹، جمعیت ساکنان هان منطقه حدود شش درصد بود و اویغورها تقریباً هشتاد درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند - و تقریباً تمام این جمعیت در سرزمین‌های اجدادی‌شان در بخش جنوبی این منطقه زندگی می‌کرد.

پیش از سال ۱۹۴۹، معلوم نبود که این منطقه جمهوری ترکستان شرقی در شوروی می‌شود یا مرزهای امپراتوری دودمان چینگ سرزمین‌های اویغورها و قزاق‌ها را به مستعمره داخلی جمهوری خلق چین تبدیل خواهد کرد. با این همه، در سال ۱۹۴۹، استالین و رهبران حزب کمونیست چین موافقت کردند که این منطقه به «اشغال» چین دربیاید.<sup>(۳)</sup> در دهه ۱۹۵۰، حکومت چین چند میلیون سرباز سابق را برای کشاورزی به مستعمره‌های نظامی بخش شمالی این منطقه فرستاد. این نونشینان،<sup>۱</sup> یعنی اعضای سپاه ساخت و تولید سین‌کیانگ، را با ترکیبی از مشوق‌ها و اقناع ایدئولوژیک به مناطق مرزی کشاندند. علاوه بر نونشینان هان، نزدیک به یک میلیون مسلمان چینی‌زبان معروف به هوئی، گروهی که ویرا به آن تعلق داشت، هم به آن منطقه نقل مکان کردند. امروزه، اویغورها کمتر از پنجاه درصد از کل جمعیت آن‌جا را تشکیل می‌دهند و هان‌ها بیش از چهل درصدش را. این منطقه منبع حدود بیست درصد از نفت و گاز طبیعی چین است. درصد ذخایر زغال سنگش حتی از این هم بیشتر است و حدود یک‌چهارم پنبه و گوجه‌فرنگی جهان هم در این‌جا تولید می‌شود.

---

۱. Settler: در بعضی از متون فارسی از واژه‌های «مهاجر» و «شهرک‌نشین» استفاده شده است. در صورت استفاده از «مهاجر» ممکن بود این واژه با معادل immigrant اشتباه گرفته شود. واژه «شهرک‌نشین» هم دست‌کم در فضای سین‌کیانگ دقیق نیست چون هان‌ها در شهرک‌های جداگانه‌ای زندگی نمی‌کنند و همان‌طور که در این کتاب اشاره می‌شود، در کنار اویغورها و دیگر قومیت‌های ساکن سین‌کیانگ زندگی می‌کنند. از همین رو، از «نونشین» استفاده کردم که در فرهنگ علوم انسانی داریوش آشوری پیشنهاد شده است. -م.

در دهه‌های اول پس از تشکیل جمهوری خلق، اکثر نونشینان هان از اویغورها جدا ماندند. کمبود جاده و وجود رشته کوهی عظیم زمین‌های در تصرف هان‌ها در شمال را از سرزمین‌های اویغورنشین جنوب جدا می‌کرد و به این ترتیب بود که اکثر اویغورها و نونشینان هان در فعالیت‌های روزمره‌شان با هم مواجه نمی‌شدند. در حالی که حزب کمونیست چین ساختار حکمرانی منطقه را متحول می‌کرد، پست‌های کلیدی مناطق جنوبی در دست اویغورها باقی ماند. حتی با وجود تبعید رهبران دینی اویغور، که بخشی از تصفیه‌های انقلاب فرهنگی بود، اندک هان‌های مستقر در جنوب با سنت‌های فرهنگی اویغورها سازگار شدند.<sup>(۴)</sup>

در دهه ۱۹۹۰، با حرکت چین به سوی اقتصاد بازار صادرات‌محور، خودمختاری نسبی اویغورهای جنوب منطقه کم‌کم شروع به تغییر کرد.<sup>(۵)</sup> با تبدیل شدن چین به «کارخانه جهان»، نفت، گاز طبیعی و نهایتاً پنبه و گوجه‌فرنگی به ستون‌های اقتصاد سین‌کیانگ تبدیل شدند. جستجوی این کالاها میلیون‌ها مهاجر هان را به بخش‌های اکثراً اویغورنشین این منطقه کشاند، ابتدا برای ایجاد زیرساخت استخراج منابع و سپس برای حمایت از بخش‌های صنعتی و خدماتی. طی سه دهه گذشته، سین‌کیانگ نقش یک مستعمره حاشیه‌ای کلاسیک را به خود گرفته و نیازهای کلان‌شهرها را در شانگهای و شنجن<sup>۱</sup> تأمین کرده. مانند دیگر پروژه‌های استعماری نونشینی، بومیان را تا حد زیادی از سودآورترین جنبه‌های اقتصاد جدید کنار گذاشتند. اقتصاد نونشینی هزینه زندگی را بالا برد و منابع و بخش‌های شهری در حال گسترش، فشار فزاینده‌ای را متوجه خانوارهای اویغور کرد. در حالی که بعضی از اویغورها به زارعان اجاره‌کار در مزارع صنعتی پنبه تبدیل شدند، بسیاری‌شان را به کارهای مهاجری کم‌مزد در ساختمان‌سازی و دیگر بخش‌ها سوق دادند.<sup>(۶)</sup>

---

1. Shenzhen



اقتصاد در حال تغییر و پویایی سیاسی برآمده از مهاجرت نونشینان در دهه ۱۹۹۰ باعث افزایش چرخه‌های اعتراض و خشونت هم شد. مثلاً در دهستان بارین،<sup>۱</sup> در نزدیکی شهر کاشغر،<sup>۲</sup> کشاورزان اویغور مسلح به تفنگ‌های شکاری و ابزارهای کشاورزی غایله‌ای را ترتیب دادند که معمولاً «قیام» علیه اجرای سیاست‌های تنظیم خانواده و برخورد تبعیض‌آمیز با نونشینان هانی خوانده می‌شود که مقامات به آن‌ها شغل و حقه می‌دادند. در حالی که بخشی از طرح اشغال ساختمان‌های دولتی دهستان در این حادثه حول مسئله مهم‌تر خودمختاری اویغورها می‌چرخید - چیزی که حکومت ابتدا به عنوان تجزیه‌طلبی قومی و سپس تروریسم توصیف کرد - آنچه نظر عبدولی ایوب،<sup>۳</sup> روشنفکر اویغور، را جلب کرد، که آن موقع در همان منطقه زندگی می‌کرد، چگونگی «سرکوب [معترضان] توسط ارتش چین» بود.<sup>(۷)</sup> او در خاطراتش به یاد می‌آورد که چگونه «دولت دستگیری‌های گسترده‌ای انجام داد». و آن‌ها را چنین توصیف می‌کند:

روایت‌های شاهدان عینی که در روستایم دهن‌به‌دهن می‌چرخید حکایت از این داشت که چطور معترضان را مثل آجر بار کامیون می‌کردند و می‌بردند. پلیس نه تنها زنده‌ها بلکه جنازه‌ها را هم می‌گرفت. در آن زمان، تمام مدارس را به‌زور تعطیل کردند و همه مجبور بودند در جلسات شستشوی مغزی سیاسی شرکت کنند. هنوز زمانی که خانه‌ها را می‌گشتند به روشنی در خاطر دارم، کتاب‌های دینی را می‌سوزاندند و مردم را بدون هیچ دلیلی دستگیر می‌کردند. زمزمه اعتراض‌آمیز آرام بین خودمان بود، چون می‌دانستیم که دولت انگشت اتهامش را به طرف ما، قربانیان سیاست‌های حکومت، می‌گیرد و به «دردسرسازی» متهمان می‌کند.

برخورد تبعیض‌آمیز شدید با نونشینان باعث آزرده‌گی گسترده‌ای در مناطق

---

1. Barin    2. Kashgar    3. Abduweli Ayup

اکثراً اویغورنشین شد. تبعیض شغلی گسترده، مصادره زمین و افزایش کنترل دولتی بر اعمال دینی باعث مجموعه‌ای از اعتراضات و سرکوب‌های خشن در دهه ۱۹۹۰ و اوایل قرن ۲۱ شد. این مسئله در سال ۲۰۰۹ به اوج خود رسید، هنگامی که اعتراض یک دانشجوی اویغور در واکنش به مثله شدن کارگران اویغور به دست کارگران هان منجر به تیراندازی پلیس مسلح شد.<sup>(۸)</sup> در واکنش، اویغورها به خیابان‌های اورومچی ریختند و بیش از صد و سی شهروند هان را کشتند و بسیاری دیگر را مجروح کردند. در ماه‌های بعد، مقامات محلی کارزار «حملة سخت» نظامی را در سرتاسر این منطقه اجرا کردند که به ناپدید شدن چند هزار اویغور<sup>(۹)</sup> و همچنین به آزدگی بیشتر از بی‌رحمی پلیس و کنترل حکومتی انجامید.

همان‌طور که شان رابرتز<sup>۱</sup> و گاردنر باوینگدون<sup>۲</sup> از پژوهشگران این حوزه، نشان داده‌اند، طی سه دهه گذشته، افزایش انواع کنترل و تبعیض قومی از عوامل اصلی افزایش اعتراضات و خشونت اویغورها نسبت به عوامل حکومت بوده است.<sup>(۱۰)</sup> با راهیابی گفتمان تروریسم اسلامی به چین در قرن ۲۱، رسانه‌های حکومتی بسیاری از این رویدادها را «تروریسم» خواندند. با این همه، لازم است توجه داشته باشیم که در بسیاری از موارد، اکثر کشته‌شدگان یا آسیب‌دیدگان در این اعتراضات تبدیل شده به حادثه خودِ عاملان اویغور بوده‌اند. «تروریست‌ها» عمدتاً غیرمسلح بودند یا سلاح‌های دست‌ساز داشتند و با مسلسل‌های پلیس کشته یا مجروح می‌شدند.

البته نهایتاً بعضی رویدادهای خشونت‌آمیز شبیه چیزی بودند که شاید از لحاظ بین‌المللی به تروریسم تعبیر شوند. اواخر سال ۲۰۱۳ و اوایل سال ۲۰۱۴، حملات خشونت‌بار غیرنظامیان اویغوری که مستقیماً

1. Sean Roberts 2. Gardner Bovingdon

غیرنظامیان هان را هدف می‌گرفتند افزایش یافت. برجسته‌ترین مواردشان هم حملات انتحاری در جاهای شلوغی مانند پکن، کونمینگ<sup>۱</sup> و اورومچی بودند. این حملات که در آن‌ها از چاقو، وسیله نقلیه و دستگاه‌های انفجاری دست‌ساز استفاده می‌کردند متمایزند با رویدادهای معمولاً خودجوش پیشینشان که نیروهای پلیس و مقامات دولتی را هدف می‌گرفتند، نه غیرنظامیان را. برای اولین بار معلوم شد که مهاجمان اویغور حملات هماهنگی را برنامه‌ریزی می‌کردند که از دم همه غیرمسلمانان را هدف قرار می‌داد. مسئله نگران‌کننده‌تر این بود که این حملات ظاهراً ربطی به آزردهی‌های سیاسی و اقتصادی محلی نداشتند، بلکه در عوض شبیه روش‌های مجرمان در اروپا و آمریکای شمالی بودند که به نیابت از حکومت اسلامی نوظهور [داعش] عمل می‌کردند.

حدوداً در همین زمان، قزاق‌ها و اویغورها اولین بار وارد شبکه‌های اجتماعی شدند. همچنین به فرهنگ مسلمانی معاصر و سنت‌های دینی سرتاسر جهان اسلام علاقه‌مندتر شدند - از جمله آموزه‌های ملهم از «جماعت تبلیغ»، سنت زاهدانه سنی غیرسیاسی‌ای که در سرتاسر جهان صدها هزار عضو دارد. افزایش حملات برنامه‌ریزی شده و پایبندی به استانداردهای حلال، مانند پرهیز از الکل، در میان عموم اویغورها به نگرانی هان‌های مهاجر ساکن سین‌کیانگ دامن زد که از کلیشه عمدتاً انتزاعی و تهدیدکننده خطر اسلامی می‌ترسیدند.

علاوه بر این، طی این دوره، جمعیتی نزدیک به ده‌هزار اویغور از طریق مرز نفوذپذیر چین با میانمار به ترکیه گریختند.<sup>(۱۱)</sup> گفته می‌شود با حمایت دولت ترکیه، بیش از هزار نفرشان نهایتاً از سوریه سر درآوردند تا با داعش و رژیم اسد بجنگند. نسبت این گروه از جنگجویان خارجی به کل جمعیت اویغورها، کمتر از تعداد مسلمانان بریتانیایی‌ای است که در

---

1. Kunming

جنگ داخلی سوریه جنگیدند. اما در چین، صرف حضور اویغورها در سوریه مَهر تأییدی بود بر وجود چیزی که به نظر مقامات تهدیدی وجودی نسبت به حاکمیت چین می‌آمد. در ادامه ادبیات عصر انقلاب فرهنگی، عصری که ضدانقلابی‌ها را حیواناتی مودبی توصیف می‌کرد، رسانه‌های حکومتی اویغورها و قزاق‌هایی را که تندرو محسوب می‌شدند مارهای سمی و حشرات ناقل بیماری می‌خوانند که باید قلع و قمع شوند.<sup>(۱۲)</sup>

مقامات چینی در واکنش به حملاتی که چندین نفر انجام دادند و چندصد نفر از آن‌ها حمایت کردند، افزایش اعمال زاهدانه اسلامی و همچنین مهاجرت پناهندگان اویغور به ترکیه، «جنگ مردم با تروریسم» را اعلام کردند. با این همه، علی‌رغم کارزارهای داخلی ضدتروریسم در اروپا و آمریکای شمالی، «جنگ مردم» باعث تسریع اجرای برنامه اقامت اجباری گسترده فراقضایی در دفاع از جامعه نونشین در سرزمین‌های آبا و اجدادی اویغورها شد. این کارزار به جای هدف قرار دادن مجرمان کم‌تعداد، تمام جمعیت پانزده‌میلیونی مسلمانان سین‌کیانگ را هدف گرفت و به جرم‌انگاری اعمال اسلامی و بعضی از سنت‌های فرهنگی اویغورها و قزاق‌ها سرعت بخشید. در ابتدا فقط رهبران مذهبی را به اردوگاه‌ها فرستادند اما در سال ۲۰۱۷، جنگ با تروریسم به برنامه جلوگیری از مسلمان بودن اویغورها و تا حدی، اویغور یا قزاق بودن، تبدیل شد.

در عرض نیم دهه، حکومت شبکه‌ای از ایست‌بازرسی‌ها را ابتدا بین شهرستان‌ها و سپس درون حوزه‌های استحفاظی شهری بنا کرد. آنان نظام کارت ترددی به وجود آوردند که حرکت اویغورها را در آن منطقه محدود و پاسپورت معدود اویغورها و قزاق‌هایی را که پاسپورت داشتند ضبط می‌کرد. یک میلیون و صدهزار کارمند دولتی را برای ارزیابی مسلمانان «غیرقابل اعتماد» به جوامع روستایی اویغورها و قزاق‌ها فرستادند. بیش

از نود هزار دستیار پلیس اضافی استخدام کردند که وظیفه‌شان بررسی تلفن‌ها و کارت‌های شناسایی مسلمانان و ایجاد چنان نظارت شدیدی بود که با آلمان شرقی پیش از فروپاشی دیوار برلین رقابت می‌کرد. (۱۳) همچنین ساخت شبکه‌ای از اردوگاه‌های اقامت اجباری کاملاً امنیتی را آغاز کردند که در اوج بازداشت‌ها چیزی بین ده تا بیست درصد از جمعیت بزرگسال را در خود جای می‌داد. به نظر مقامات منطقه، این نسبت از جمعیت «تومورهای» تدروی دینی داشتند. (۱۴) در همان زمان، وزارت امور مدنی حکومت سیاست «حذف تولدهای غیرقانونی» را اعمال کرد و این مسئله همراه با جداسازی خانواده‌های بومی بر اثر بازداشت‌ها، باعث افت پنجاه تا هشتاد درصدی نرخ تولد شد. (۱۵)

در آوریل ۲۰۱۸، در شهر کاشغر، که در آن هر دو یست متر یک ایست‌بازرسی به چشم می‌خورد، با دستیاران پلیسی مواجه شدم که از من می‌خواستند کارت شناسایی‌ام را نشانشان بدهم. پس از اسکن پاسپورتم آن را در سامانه تشخیص چهره با فهرست افراد تحت نظارت تطبیق دادند. در حالی که مرا در ایست‌بازرسی نگه داشته بودند، دیدم چگونه از تمام اویغورهایی که از آن‌جا می‌گذشتند می‌خواستند تلفن‌های هوشمندشان را تحویل بدهند تا ببینند آیا از اپلیکیشن‌های شرکت‌های قضایی دیجیتال میا پیکو<sup>۱</sup> یا فیبرهوم<sup>۲</sup> استفاده می‌کنند یا خیر. (۱۶) هر دوی این شرکت‌ها در این منطقه کار می‌کردند تا گوشی‌های هوشمند را به دستگاه‌های ردیاب تبدیل کنند. تصور می‌کردم که بخواهند دربارهٔ صدها اویغوری از من سؤال کنند که از سال ۲۰۱۱ به این سو با آن‌ها مصاحبه کرده بودم.

از طریق اقوام و دوستانشان فهمیدم حدود چهل نفر از کسانی که می‌شناختم در اردوگاه‌ها ناپدید شده بودند اما اکثر دوستان نزدیک اویغور و قزاقم هنوز بیرون از اردوگاه‌ها بودند. به تصاویر

ایست‌بازرسی‌ها، سیستم‌های دوربین‌ها، تابلوها و تجهیزات فنی روی کارت‌های حافظه‌ای فکر کردم که پلیس به سادگی می‌توانست آن‌ها را با یک فلزیاب در جیب داخلی کیفم پیدا کند. به چندین صفحه یادداشت دربارهٔ ناپدیدشده‌ها و تجهیزات نظارتی‌ای که در هارد لپ‌تاپم مخفی بود و دسترسی به آن‌ها به رمز عبور نیاز داشت. به این‌که چگونه مجبورم می‌کردند رمز عبور ایمیل را به آن‌ها بدهم. به این فکر کردم که غل و زنجیرم می‌کنند و در سلول سیمانی شلوغی می‌اندازند و مجبور می‌شوم اعتراضی را امضا کنم و در آن بگویم که مخفیانه با آژانس اطلاعاتی ایالات متحده کار می‌کنم - چیزی که بعداً در بیانیهٔ رسمی سخنگوی دولت سین‌کیانگ به آن متهم می‌شدم.<sup>(۱۷)</sup>

مقامات دولتی در تلاش برای تحول جمعیت‌های بومی منطقه، قدرت و اختیاراتشان را به شرکت‌های فناوری خصوصی و کارفرمایان پلیس برون‌سپاری کرده‌اند. آن‌ها شرکت‌های خصوصی و نونشینان‌هان بهره‌مند از اقتصادِ منابع طبیعی<sup>۱</sup> را فراخواندند تا صنعت نظارتی مطابق پیشرفته‌ترین فناوری روز پیاده کنند. حصار دیجیتال از ایست‌بازرسی‌های اسکن چهره و بررسی تلفن‌های همراه به سوی اردوگاه‌ها و کارخانه‌های هوشمند حرکت کرد.

مقامات حکومتی و رسانه‌های وابسته به حکومت این کارزارِ اقامت اجباری گسترده را تحول از راه آموزش می‌نامند. مقامات چینی در اسنادی که به سازمان ملل فرستاده‌اند این سیستم را «برنامهٔ آموزش حرفه» برای آن دسته از شهروندان سین‌کیانگی خوانده‌اند که تروریسم یا تندروی مذهبی‌شان به مرحلهٔ جرم نرسیده،<sup>(۱۸)</sup> خطوط مشی ضدتروریسم را غیرعمد زیر پا گذاشته‌اند یا قبلاً بابت جرایم مربوط به تروریسم و تندروی در زندان بوده‌اند. بسیاری از این جرایم به فعالیت

آنلاین و حضور در مسجد مربوط بود. مثلاً، دستورالعمل کارمندان مسئول بررسی اویغورها و قزاق‌ها صرفاً استفاده از وی‌پی‌ان – همان کاری که ویرا کرده بود – یا بازدید از وب‌سایت‌های خارجی را معادل برنامه‌ریزی برای اجرای عملیات تروریستی قلمداد می‌کند.<sup>(۱۹)</sup> یکی از گزارش‌های داخلی پلیس اشاره می‌کند که «بیش از دویست بار» رفتن به مسجد باعث می‌شود مسلمانی را «برای آموزش» به اردوگاه‌ها بفرستند.<sup>(۲۰)</sup> تهدید اردوگاه – همراه با ایست‌بازرسی‌های اسکن چهره در ورودی مسجد – باعث شد حضور در مسجدی که در این گزارش به آن اشاره شده طی یک سال ۹۶٪ کاهش یابد.

در نتیجه این سیاست‌ها، مقامات چینی از سال ۲۰۱۷ به این سو، یک و نیم میلیون اویغور، قزاق و هوئی را وارد نظام اردوگاه‌های «بازآموزی» با امنیت متوسط تا کامل کرده‌اند – که بزرگ‌ترین اقامت اجباری اقلیتی مذهبی از جنگ جهانی دوم به بعد است. وجود این مجمع‌الجزایر با بیش از سیصد اردوگاه و دیگر بازداشتگاه‌های فراقضایی نوساز یا تازه‌گسترش‌یافته از طریق مناقصات دولتی، عکس‌های ماهواره‌ای، بازدیدهای پژوهشگران و مصاحبه با بازداشتی‌های سابق و کارمندان سابق اردوگاه‌ها مستند شده است.<sup>(۲۱)</sup> به علاوه، اسناد دولتی و مصاحبه با کارکنان سابق اردوگاه‌ها نشان می‌دهد که حکومت چین برای کنترل، ردیابی، نظارت و استخراج کار و داده از صدها هزار مسلمان بیرون اردوگاه، شبکه پراکنده‌ای از برنامه‌های نیروی کار اجباری را همراه با مشوق‌هایی به شرکت‌ها پیشنهاد داده و فناوری‌های نظارتی بی‌سابقه‌ای را به کار بسته است.

بر اساس مصاحبه‌هایم و گزارش‌های رسانه‌ای، بعضی بازداشتی‌ها را هم به زندان منتقل کرده‌اند. به گفته دفتر دادستان سین‌کیانگ، بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۲۰، در سین‌کیانگ بیش از ۵۳۳,۰۰۰ نفر رسماً

تحت تعقیب قرار گرفته‌اند که شش برابر میانگین کشور در آن بازه زمانی است.<sup>(۲۲)</sup> از آنجا که نرخ محکومیت در دادگاه‌های چین بیش از ۹۹٪ است،<sup>(۲۳)</sup> با خیال راحت می‌شود تصور کرد که تقریباً تمام تعقیبات قضایی به احکام رسمی منجر شده‌اند. بعضی بازداشتی‌های سابق، به‌ویژه افراد مسن و ناتوان، را تحت انواع نظارت‌های اجتماعی و در حبس خانگی قرار داده‌اند. صدها هزار نفر دیگر را هم در انواع کار اجباری و کنترل شده در کارخانه‌های مربوط به اردوگاه‌ها به کار گرفته‌اند. به صورت کلی، حالا مقامات حکومتی و تولیدکنندگان خصوصی مهم‌ترین بخش‌های زندگی روزمره مسلمانان را کنترل می‌کنند. فناوری‌های دخیل در این نظام کنترلی باعث رشد صنعت سودآور متصل به حکومت شده و سرکوب شهروندان اقلیت را به امر سودآوری برای دولت‌های ملی و محلی تبدیل کرده است. اگرچه همانند قرن گذشته نظام‌های تمامیت‌خواه اقلیت‌های قومیتی را هدف گرفته‌اند، این اولین تلاش در این مقیاس در عصر نظارت دیجیتال است و همین مسئله آن را به پدیده‌ای جدید در تاریخ استعمار و سیستم اردوگاه‌ها تبدیل کرده است.

این سیستم بر اساس ادبیات جنگ با «تروریسم» اسلامی بنا شده که حکومت چین آن را پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از ایالات متحده و متحدانش وارد کرده است. در همین اواخر، یعنی در سال ۲۰۱۷، مقامات سین‌کیانگ، به عنوان بخشی از برنامه مبادلات دیپلماتیک «مبارزه با عوامل ریشه‌ای تندروی خشونت‌بار و مخل رشد و ثبات در منطقه سین‌کیانگ چین با استفاده از بهترین ابتکارات بریتانیا» میزبان متخصصان ضدتروریسم بریتانیایی بودند.<sup>(۲۴)</sup> در فضای چین، مواجهه با تندروی خشونت‌بار - چیزی که متخصصان بریتانیایی آن را صرفاً پیشگیری قلمداد می‌کنند - به این معنی است که صدها هزار مسلمانی که «غیرقابل اعتماد» تشخیص داده شده‌اند در اردوگاه‌ها و زندان‌ها حبس شوند و



دیگر مسلمانان بزرگسال را برای کار به جاهایی دور از خانه‌هایشان بفرستند. پانصد هزار کودک را به مدارس شبانه‌روزی فرستاده‌اند. (۲۵) منطق ضد تروریسم، تا حد زیادی، جانشین نگرانی نسبت به حقوق بشر و حقوق مدنی شده و تبعیدگاه‌های تک وسیعی را به وجود آورده است.

مانند دیگر جاها، هزینه جنگ‌های با تروریسم بیشتر بر دوش خود مسلمانان بوده است. حکومت امکان بازداشت «مجرمان پیش‌ارتکابی»، مانند شهروندان مسلمان مظنون به داشتن ارتباطات تروریستی، را از طریق سازوکارهای قانونی‌ای فراهم می‌کند که مسلمانان را خارج از محدوده مصونیت‌های مدنی غیرمسلمانان قرار می‌دهد. در سرتاسر جهان، مسلمانان در فهرست هشدار قرار گرفته‌اند. این قرار دادن جمعیت‌های فرودست در دسته «تروریست‌ها» به توجیه قدرت حکومت کمک می‌کند و در عین حال، باعث به وجود آمدن صنعت نظارت مبتنی بر داده‌های فشرده<sup>۱</sup> شده است. استفاده از این ادبیات دسته‌ای را به وجود آورده که از نظر قانونی نامتعیین است، به عبارتی می‌شود با مسلمانانی مانند ویرا برخورد کرد و مصونیت داشت. تفاوت چین در این است که فهرست‌های هشدارش بسیار بلندتر و اردوگاه‌هایش بسیار بزرگ‌تر و زاینده فناوری‌های پیشرفته‌اند.

این کتاب حاصل بیش از بیست و چهار ماه پژوهش جمعیت‌شناختی در سین‌کیانگ، قزاقستان و سیاتل بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۲۰ است و هزاران متن دولتی تأییدشده، اسناد صنعت فناوری و گزارش‌های داخلی پلیس چین را بررسی می‌کند که مسئولان دولتی و عوامل صنعت فناوری لو داده‌اند. اما چارچوب اصلی‌اش مصاحبه‌های بلند بسیاری با زندانیان سابق قزاق، ویغور و هوئی، کارکنان اردوگاه‌ها و تکنیسین‌های سیستم است. بعضی از مصاحبه‌شونده‌ها قزاق‌هایی بودند که توانستند با استفاده

---

1. data-intensive

از ارتباطات فامیلی و نوعی برنامه مهاجرتی «حق تولد» با عبور از مرز به قزاقستان بگریزند. تعداد کمتری از آنها حتی مقامات را قانع کردند که افشاگری نخواهند کرد و سوار هواپیماهایی به مقصد ایالات متحده و اروپا شدند. بعضی شان - ویرا، بای مورات،<sup>۱</sup> قلبی نور،<sup>۲</sup> ارباقیت<sup>۳</sup> و گلزیرا<sup>۴</sup> - از من خواستند اسامی واقعی شان را بیاورم. دیگران خواستند برای محافظت از اعضای خانواده شان در چین برایشان از نام دیگری استفاده کنم. این کتاب داستان آنهاست.

در حالی که آنها درباره حصر فناوری محور و وطنشان برایم می گفتند، فهمیدم که فناوری های بازآموزی چگونه مسلمانان را مستعد بازداشت می کرد. خود سیستم نظارت مفروضاتی را درباره جرم پیشاوقوعی و پیشاارتکابی به وجود می آورد. با آنکه این ادعاها ساخت سیستم بودند، بسیاری از مسلمانان مجبور شدند نقاب وفاداری به برنامه حکومت به چهره بزنند و اعتراضات اخلاقی شان را پنهان کنند. از کسانی که این نقابها را نداشتند زیر نورافکنها و دوربینهای این اردوگاهها انسانیت زدایی می شد. آنها را با چهارپایه های پلاستیکی، باتومهای الکتریکی و خشونت خودکار متحول می کردند. آموزششان می دادند تا آرام بنشینند، در مواقع لزوم خود را از ترس جمع کنند، بدون بحث پذیرای کتک باشند، با صدای بلند آواز بخوانند، همیشه لبخند بزنند و به تمام دستورات «بله!» بگویند. آنان شرطی شدند تا بوی مدفوع، عرق، ترس از سطل های روبازی که به جای توالی استفاده می کردند، فشار ناشی از چپاندن بدن های نشسته در جایی تنگ و وحشتشان از نگهبانان را حس نکنند. آنان دیگر متوجه تابش نور چراغها در نیمه شب نشدند. دیگر گرسنگی همیشگی شان را احساس نکردند. دیگر به آینده یا گذشته دور فکر نکردند.

بسیاری، به‌ویژه صدها هزار اویغور روستایی که کسی را ندارند تا از آن‌ها دفاع کند، هنوز آن‌جا هستند. اما بعضی‌ها را آزاد کرده‌اند تا به عنوان کارگرانی نآزاد در حصار هوشمند نظارت کارخانه‌های «هوشمند» قرار بگیرند.

زندانیان سابق به من گفتند نوک پیکان سرزنششان متوجه تکنیسین‌ها و کارمندان اردوگاهی نیست که از سر اجبار دستگاه بی‌اعتنایی را تغذیه و حفظ می‌کنند. آنان بانیان سیستم را سرزنش می‌کنند، آن‌هایی را که به بدبختی‌شان می‌خندند. و طراحان و مهندسان سازنده این فناوری‌ها را مسئول می‌دانند. هنگام گوش دادن به حرف‌هایشان، به این نتیجه ناخوشایند رسیدم که انسانیت‌زدایی که آن‌ها از سرگذرانده‌اند، دست‌کم تا حدی، محصول آزمایشگاه‌های رایانه‌ای سیاتل تا پکن است.

## یادداشت‌ها

1. Chun Han Wong, "China's Hard Edge: The Leader of Beijing's Muslim Crackdown Gains Influence," *Wall Street Journal*, April 7, 2019, <https://www.wsj.com/articles/chinas-hard-edge-the-leader-of-muslim-crackdown-gains-influence-11554655886>.
2. "奎屯-独山子便民警务站公开招聘协警公告 Kuitun-Dushanzi Convenient Police Station Public Recruitment Announcement" February Sohu.com, 6, 2017, [https://www.sohu.com/a/125565427\\_130552](https://www.sohu.com/a/125565427_130552);  
دربارهٔ نوده‌زار فرد استخدام‌شده و کارشان به‌تفصیل در فصل ۳ توضیح خواهم داد.
3. "Memorandum of Conversation Between Stalin and CCP Delegation, June 27, 1949," Wilson Center Digital Archive, <https://digitalarchive.wilsoncenter.org/document/113380.pdf?v=a72a4ae09caba5e4c7034a5c2eb-69c0d>.
4. James A. Millward, *Eurasian Crossroads: A History of Xinjiang* (Hurst Publishers, 2021), pp. 265-270.
5. Nicolas Becquelin, "Staged Development in Xinjiang," *China Quarterly* (2004), pp. 358-378.
6. Millward, *Eurasian Crossroads*.
7. Abduweli Ayup, *Mehbusluq Zawuti [The Prisoner Factory: A Memoir]* (Manuscript 2021), pp. 12-13.
8. Darren Byler, "Requiem for the Living Dead Ten Years After 7-5,"

*SupChina* , July 3, 2019, <https://supchina.com/2019/07/03/requiem-for-the-living-dead-ten-years-after-7-5/>.

۹. دیده بان حقوق بشر، ۲۰۰۹.

“We Are Afraid to Even Look for Them”: Enforced Disappearances in the Wake of Xinjiang’s Protests,” October 20, 2009, <https://www.hrw.org/report/2009/10/20/we-are-afraid-even-look-them/enforced-disappearances-wake-xinjiangs-protests>.

10. Sean Roberts, *The War on the Uyghurs: China’s Internal Campaign Against a Muslim Minority* (Princeton University Press, 2020); Gardner Bovington, *The Uyghurs: Strangers in Their Own Land* (Columbia University Press, 2010).

11. Sean Roberts, *The War on the Uyghurs*.

12. Darren Byler, “Imagining Re-Engineered Uyghurs in Northwest China,” *Milestones: Commentary on the Islamic World* , April 20, 2017, <https://www.milestonesjournal.net/photoessays/2017/4/20/imaginingre--engineered-muslims-in-northwest-china>.

13. Adrian Zenz and James Leibold, “Securitizing Xinjiang: Police Recruitment, Informal Policing and Ethnic Minority Co-optation,” *China Quarterly* 242 (2020), pp. 324-348; John O. Koehler, *Stasi: The Untold Story of the East German Secret Police* (Westview Press, 1999).

14. James Leibold, “The Spectre of Insecurity: The CCP’s Mass Internment Strategy in Xinjiang,” *China Leadership Monitor*, March 1, 2019, <https://www.prclleader.org/leibold>.

این یافته‌ها با اسناد داخلی پلیس از مکان‌های بی‌شماری در سین‌کیانگ (اورومچی، آق‌سو و قاراقاش) و تخمین‌های ظرفیت ساختمان‌های نگهداری با مصاحبه‌های بازداشتی‌های سابق هم‌خوانی دارند.

15. “新疆地区人口变动情况分析报告 Analysis Report on Population Changes in Xinjiang” Xinjiang Development Research Center, January 7, 2021, <https://t.co/-J7WBkk0usl?amp=1>.

16. Megha Rajagopalan, “China Is Forcing People to Download an App That Tells Them to Delete ‘Dangerous’ Photos,” *Buzzfeed* , April 9, 2018, <https://www.buzzfeednews.com/article/meghara/china-surveillance-app>; Raymond Zhong, “China Snares Tourists’ Phones in Surveillance Drag-net by Adding Secret App,” *New York Times* , July 2, 2019, <https://www.nytimes.com/2019/07/02/technology/china-xinjiang-app.html>.

17. “Scholars Spreading Rumors About Uyghur Detention Work for US Intel Agency: Spokesperson,” *Global Times*, December 3, 2019, <https://www.globaltimes.cn/content/1172046.shtml>.

18. “Information Received from China on Follow-up to the Concluding Observations on its Combined Fourteenth to Seventeenth Periodic Reports,” United Nations, October 8, 2019, <https://undocs.org/CERD/C/CHN/FCO/14-17>.

19. "The 'Four Together' and 'Three Gifts' Handbook," Chinese Ministry of Civil Affairs, <https://xinjiang.sppga.ubc.ca/policydocuments/government-sour-ces/cadre-materials/the-four-togethers- and-three-gifts-handbook/>.
20. "Xiheba Precinct Risk Evaluation Judgment Report During Ramadan 2018," Xinjiang Ministry of Public Security, translated by the *Intercept*, <https://www.documentcloud.org/documents/20466261-document-24>
21. "The Xinjiang Data Project," Australia Strategic Policy Institute, 2020, <https://xjdp.aspi.org.au/>.
22. Xinjiang People's Procuratorate Annual Work Reports 2018-2021; Supreme People's Procuratorate Annual Work Reports 2018-2021
23. Donald Clarke, "China's low acquittal rates: interesting statistics," *The China Collection*, May 5, 2020, <https://thechinacollection.org/chinas-low-acquittal-rates-interesting-statistics/>.
24. "Countering the Root Causes of violent Extremism Undermining Growth and Stability in China's Xinjiang Region by Sharing UK Best Practice," United Kingdom, Foreign, Commonwealth and Development Office, March 31, 2017, <https://devtracker.fcdo.gov.uk/projects/GB-GOV-3-PAP-CNF-002340>.
25. Amy Qin, "In China's Crackdown on Muslims, Children Have Not Been Spared," *New York Times*, October 15, 2020, <https://www.nytimes.com/2019/12/28/world/asia/china-xinjiang-children-boarding-schools.html>.

